آزادی از زندان پس از ۲ جنایت

گروه حوادث– مرد زندانی که به اتهام دو قتل به مجازات محکوم شـده و دوران حبس خود را می گذراند با پرداخت دیـه به خانواده مقتولان و جلب رضایت آن‌ها بعد از ۱۳ سال آزاد شد.

اواسط سال ۸۶ وقوع نزاع مرگباری بـه پلیس اعلام و در بررسـی‌های اولیه مشخص شد عامل این جنایت پسر جوانی به نام مسعود است. با شناسایی عامل قتل، تحقیقات برای دسـتگیری او ادامه یافت و درنهایت متهم ۸ آبان سـال ۸۶ دستگیر شد. پسر جوان در تحقیقات به قتل اعتراف کرده و مدعی شد به‌خاطر کری خوانی و ناخواسته دست به چاقو شده و این جنایت را رقم زده است.

متهم پـس از محاکمه به قصاص محکوم شـد و تا زمان اجرای حکم روانه زندان رجایی شهر شد، اما مسعود در زندان هم بیکار نماند و پس از آشنایی با شیوه و شگرد کلاهبرداری تلفنی شروع به ارسال پیامک و تماس با طعمه‌هایش کرد و به این بهانه که شما برنده مسابقه شده اید آن‌ها را به پای دستگاه‌های عابربانک می کشاند و حسابشان را خالی می کرد. با افزایش تعداد شاکی‌های این کلاهبرداری، تحقیقات در این خصوص صـورت گرفت و پلیس موفق شد مسـعود را به‌عنوان عامل این کلاهبرداری در زندان شناسایی کند. وی به اتهام کلاهبرداری‌هایش نیز به ۷ سـال حبس محکوم شد.

دومین جنایت

اما ایـن پایان کارهای خلاف متهم نبـود، او مدتی بعد دومین جنایتش را نیز رقم زد. اواخر شب چهارشنبه ۷ مرداد سال ۹۴ درگیری در سالن ۳۶ بند ۱۰ رخ داد و پسـر جوانی به نام ناصر در این درگیری به قتل رسـید. بررسی‌ها نشان می‌داد که ناصر–مقتول–مرداد ۸۴ یک راننده تاکسی را به قتل رسـانده، اما از آنجایی که ناصر در زمان جنایت زیر ۱۸ سال سن داشت، دادگاه با تجدید دادرسـی این محکوم به اعدام موافقت کرده بود تا دوباره پای میز محاکمه برود. اما در زمانی که در زندان در انتظار نوبت رسیدگی به پرونده‌اش بوده در سـالن ۳۶ زندان با مسعود و دوستش به نام حمید درگیر شـده و به‌خاطر پاره شـدن رگ‌های گردنش جان خود را از دست داد.

در تحقیقات میدانی یکی از زندانیان گفت: «طی دعوایی که در سـالن ما پیش آمد مسـعود، سـر ناصر را به آکواریوم خالی‌ای که کنار راهرو قرار داشت کوبید و این کار باعث پاره شدن رگ‌های گردن ناصر شد.»

پای چوبه دار

مسـعود از آنجایی که موفق نشده بود به‌خاطر جنایـت اولش از اولیای دم رضایت بگیرد، فروردین سـال ۹۶ پای چوبه دار رفت، اما در نهایت موفق شـد از اولیای دم مهلت بگیرد.

مدتـی بعد نیز به‌شـرط پرداخت دیه، توانسـت از اولیـای دم پرونده قتل اولـش رضایت بگیرد. سـپس از جنبه عمومـی جرم نیز محاکمه و به ۱۰ سـال حبس محکوم شد. وی که توانسته بود از پرونـده قتل اول رضایت بگیرد این بار به سـراغ خانواده ناصر رفت تا شاید بتواند از آن‌ها نیـز رضایت بگیرد و از مجازات قصاص رهایی یابد. با آنکه خانواده ناصر ابتدا خواهان قصاص بودند، اما در نهایت آن‌ها نیز با دریافت دیه از خون پسرشـان گذشت کرده و مسعود از دومین قصاص نیز نجات یافت. او بار دیگر برای دومین جنایتش پای میز محاکمه رفت و قضات دادگاه کیفـری برای این جنایت او را به ۸ سال حبس محکوم کردند.

درگیری با وحید مرادی

در حالـی کـه مسـعود دوران محکومیت خود را می گذراند ۱۱ تیر سال ۹۷، در زنـدان عده‌ای از زندانیان با وحید مرادی شرور معروف تهران درگیر شدند که در این ماجرا وحید مرادی به قتل رسید و در این میان چند نفر از زندانیان به اتهام شرکت در این درگیری دستگیر و محاکمه شدند که یکی از آن‌ها مسعود بود و قضات دادگاه بـه اتهام وارد کردن ضربه چاقو به کمر وحید مرادی او را به سه سال حبس و دیه محکوم کردند.

آزادی پس از ۱۳ سال

بدیـن ترتیـب باتوجه بـه اینکه بیشـترین مدت حکم زندان مسعود ۱۰ سال حبس به‌خاطر قتل اول بود و با توجه به اینکه وی بیش از ۱۰ سال در زندان مانده بود با توجه به جلب رضایت اولیای دم هر دو پرونده سـرانجام چند روز قبل و پس از ۱۳ سال حبس از زندان رهایی یافت.

سرنوشت تلخ دختر نوجوان عشق پارتی در پارک شهر

گروه حوادث– حامد مرا با خود به خانه دوستانش برد و به جای پارتی سر از خانه‌های کارگری و مجردی اطراف بازار تهران درآوردم.

۱۴ سـال بیشتر نداشـت و افسر پرونده برایم توضیح داد دو هفته پیش از منزلشـان در یکی از شهرک‌های اطراف تهران گریخته و بعد از ۱۴ روز سرگردانی در تهران در پارک شـهر دسـتگیر شده است.

از دختـرک کـه تینا نام داشـت خواسـتم برایم از علت فرارش بگوید و اتفاقاتی در این چند روزه برایش افتاده.

تینا گفـت: چند ماه پیش از طریق اینستاگرام با پسـری ساکن تهران آشنا شـدم که فکر می کردم هم سـن و سال خودم باشـد. از او در مورد تفریحاتش پرسـیدم و گفتم خیلـی دلم می خواهد در یک مهمانی مختلط شـرکت کنم و ببینم موادکشیدن و خوردن مشروب چه حسی دارد.

حامـد گفت: اگر بـه تهران بیایی می‌توانـم تو را به پارتی ببرم و حسـابی خوش بگذرانی!

من که از وعده‌های حامد ذوق زده شـده بودم و پنهانی مقداری پول و طلا از خانه مان برداشتم و راهی تهران شدم. وقتی طبق قراری که داشتیم در پارک شهر با حامد روبرو شدم به جای یک نوجوان هم سـن و سـال خودم با یک جوان ۳۰ ساله روبرو شدم.

حامد مرا با خود به خانه دوستانش بـرد و به جای پارتی سـر از خانه‌های کارگری و مجـردی اطراف بازار تهران درآوردم. دو هفتـه سـرگردان بودم و حامـد به من مواد مخدر داد و کاری کرد که دست به دسـت بین افراد منحرف و سوءاستفاده گر بچرخم و در آخر مرا در خیابان رها کرد.

خسـته و مستأصل مانده بودم و نه پول داشـتم نه روی بازگشت به خانه، به همین دلیل بیـکار و بی هدف در پارک شهر وقت می گذراندم که همکارانتان مرا پیدا کردند و به اداره چهارم پلیس آگاهی آوردند.

افسـر پرونده با خانواده‌ام تماس گرفته و بـرای تحویل گرفتن من راهی تهران شده‌اند.

نمی‌دانم به آن‌ها چه بگویم و با این همه اتفاقات بـدی که برایم افتاده روی برگشـت به خانه را نـدارم و از واکنش والدینم بـه خصوص پـدر و برادرانم خیلی می ترسم ...

هیـچ وقت فکـرش را نمی کردم کنجکاوی شرکت در پارتی و تجربه مواد مخدر و مشـروب منجر به این شرایط و اتفاقات ناگوار شود.

نظریه‌کارشناس

دوران بلـوغ و نوجوانـی از حساس‌ترین مراحل رشـد هر انسانی اسـت که مسـیر آینده فرزند شـما را می‌سـازد و هرگونه انحـراف و لغزش آینده تاریکی را برای وی رقم خواهد زد.

فرزند شـما در این دوران انسانی بی تجربه و خام است که انتظار نمی‌رود مانند یک فرد ۴۰ ساله مسایل و اتفاقات را تجزیه و تحلیل کند و اگر راهنمایی و حمایت شما را در کنار خود نداشته باشد هیجانات، کنجکاوی بی اندازه وی برای تجربه شرایط و اتفاقات تازه صدمات غیر قابل جبرانـی را برای او و دیگر اعضای خانواده به همراه خواهد داشت.

نقش شما به عنوان والدین در این دوران بسـیار حیاتی و تأثیرگذار است و ضروری اسـت تا بـا مطالعه و آموزش خـود را برای رویارویـی با دوران بلوغ و نوجوانی فرزندتان آماده سـازید. هر یک گام اشـتباه شما در رفتار و برخورد بـا نوجوان یک گام او را به سـوی افراد سودجو سوق می‌دهد.

برخلاف تصور اکثر افراد، فضای مجازی به مراتـب خطرناک‌تر از دنیای واقعی اسـت و اگر روشـنگری لازم را در این خصوص برای فرزند خود انجام ندهید و نوع اسـتفاده از این فضا را برای فرزنـد خود قانونمند نسـازید، روزی می‌رسـد که شـاهد بزه دیدگی فرزند خود در نتیجه اسـتفاده اشتباه از این فضا خواهید بود.

در صـورت ناتوانـی در برقراری ارتباط صحیح با فرزند و سایر مشکلات تربیتی از یک روانشناس و مشاور خانواده کمک بخواهید و اجازه ندهید مشکلات خانوادگی و تربیتی شما با گذر زمان عمق و پیچیدگی پیدا کند.

با توجه به شیوع کرونا می‌توانید از طریق شماره ۰۹۶۵۸۰ مشکلات تربیتی و سوالات روانشناسی خود را با مشاوران مستقر در مراکز مشاوره نیروی انتظامی مطرح کنید.

سرقت‌های خشن زورگیران بیکار!

■ ۳ متهم که مدعی هستند به سبب فقر ناشی از بیکاری دست به سرقت و زورگیری می‌زدند در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند.

گروه حوادث– رسـیدگی به این پرونده بـا گزارش چندین شـهروند از سـرقت اموال شـان در محدوده خیابان آزادی در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. در نخستین مرحله از تحقیقات مشخص شد که سرقت‌ها در یک ساعت مشخص صورت گرفته و مأموران احتمال دادند که یک باند به‌صورت سریالی اقدام به سرقت و زورگیری از شهروندان می کنند. در ادامه مأموران اظهارات شاکی‌ها را مورد بررسی قرار دادند. یکی از آن‌ها در توضیح ماجرای سـرقت اموالش گفت: ساعت ۷ صبح برای رفتن به محـل کارم در میدان آزادی سـوار خودروی پرایدی شدم که به ظاهر مسافرکش بود، اما بعد از چند دقیقه راننده مسـیرش را تغییر داد. وقتی به این کار اعتراض کردم سرنشین خودرو با قمه من را تهدید کرد و بعد هم کتکم زد و همه اموالم را گرفت.

شـاکی دیگر پرونده نیز نوع و شیوه سـرقت از او شـباهت زیادی با شـاکی اول داشـت و در ادامه بقیه شـاکی‌ها هم توضیحات مشـابهی را عنـوان کردند. با یک جمع‌بندی پلیس به این نتیجه رسـید که حدود ۲۰ شـاکی پرونـده همگی از سـوی اعضای یک باند مورد سرقت قرار گرفته‌اند.

به این ترتیب با برقراری گشت ویژه، پلیس موفق شد خودروی پراید سارقان را با ۳ سرنشـین شناسایی و آن‌ها را دستگیر کنـد. پس از انتقال سرنشـینان خودرو به اداره آگاهی آن‌ها در ابتدا منکر سـرقت‌ها بودند و ادعا می کردند که به اشتباه بازداشت شـده‌اند، ولی وقتی با مالباخته‌ها روبه‌رو شـدند به ناچار لب به اعتراف گشودند و اعتـراف کردند که به خاطر فقر و بیکاری مجبور به سرقت شده‌اند.

بعد از اعترافـات متهمان و تکمیل پرونده کیفرخواست علیه متهمان با نام‌های رضا، حسـن و حامد صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرسـتاده شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده با توجه به اینکه از ۲۰ شـاکی پرونده ۱۰ نفر اعلام گذشـت کرده بودند نماینده دادسـتان از قضات خواست تا در مورد ۱۰ شـاکی که رضایـت داده بودند متهمـان را به لحاظ جنبـه عمومی جرم محاکمه کنند، اما در خصوص ۱۰ شـاکی دیگر با توجه به درخواست خود شاکی‌ها برای متهمان درخواست مجازات شود.

در ادامه سـایر شاکی‌ها یک به یک در جایـگاه قرار گرفتند و شـکایت خود را مطرح کردند. یکی از شـاکی‌ها گفت: متهمان فقـط به گرفتن اموالم قانع نبودند و پـس از کتک زدنم تهدیدم کردند که اگر حرفی بزنم من را می کشند.

شاکی دیگر نیز گفت: به محض اینکه راننده از سمت میدان آزادی به طرف میدان فتح پیچید من اعتراض کردم، ولی با قمه و چاقو به من حمله کردند. از آن موقع تا الان وحشـت و ترس این حادثه مرا رها نکرده و دیگـر نمی توانم تنها و راحت به خیابان بیایم و حالا هم درخواسـت اشد مجازات برای متهمان را دارم. پس از آن هم ۸ شاکی دیگر درخواست خودشان را مطرح کردند.

بعد از شـاکی‌ها، متهمان یک به یک به جایـگاه رفتند و به دفاع از خودشـان پرداختند. نخسـت رضا به جایگاه رفت و گفت: ما هر ۳ نفرمان باهم دوست هستیم و هیچ شغلی هم نداشتیم. به همین خاطر مشـکلات زیادی در زندگی‌مان به وجود آمده بـود. یک روز که مشـکلات مالی خیلی به ما فشار آورده بود، حسن پیشنهاد زورگیـری را مطرح کرد و من و حامد هم پذیرفتیم. قرار شد برای اینکه گیر نیفتیم و نیازمان را رفع کنیم فقط یکبار در روز دست به سرقت بزنیم و پول را بین خودمان تقسیم کنیـم. در ادامه حامد دیگـر متهم پرونده گفت: من فقط در چند سـرقت دوستانم را همراهی کردم و همه سـرقت‌ها را قبول ندارم به همین خاطر هم توانستم از اغلب شاکی‌ها رضایت بگیرم. من فقط به اندازه نیازم سرقت می کردم. البته حسن به من و رضا می گفت که می توانیم با سـرقت‌های بیشتر زندگی بهتری برای خودمان بسازیم. قرار بود فقط برای رفع نیاز سـرقت کنیم، اما وسوسه شدیم و تقریباً هر روز سرقت‌ها را ادامه دادیم.

در آخر هم حسن گفت: من دوستانم را به سـرقت کردن تشـویق نکردم. این تصمیم مشـترک هر ۳ نفـر ما بود. ضمن اینکه من راننده بودم و رضا و حامد با قمه و چاقو از مسـافران زورگیری و سـرقت می کردنـد. پس از اظهارات شـاکی‌ها و متهمان و وکلای آن‌ها قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

دوستم مستحق مرگ بود

گـروه حوادث– مردی که پس از قتل دوستش در دادگاه دو ادعای مختلف را برای این جنایت مطرح کرده بود پس از محاکمـه با درخواسـت اولیای دم به قصاص محکوم شد.

رسـیدگی به این پرونده از سـال گذشـته با گزارش یک درگیری منجر به قتل آغاز شد. پس از حضور مأموران در صحنه مشخص شد که درگیری میان دو دوسـت صورت گرفته و در جریان آن نیما با یک ضربه چاقو به گردن خسـرو او را به قتل رسانده است.

در ادامـه نیما بازداشـت شـد و در توضیـح ماجرا گفت: من و خسـرو سـال‌های زیادی باهم دوست بودیم و اغلـب مواقع هم به خاطـر اینکه هر دو اعتیاد داشـتیم باهم مواد مخدر مصرف می‌کردیـم و حتـی از هم مـواد قرض می‌گرفتیم.

آن روز وقتی بـرای مصرف مواد به سراغ جاسـازم رفتم متوجه شدم که خسرو بدون اطلاع من موادم را برداشته و همین موضوع باعث شد تا با او درگیر شوم که منجر به مرگش شد. البته قصدم کشتن او نبود.

بـا تکمیـل تحقیقـات و صدور کیفرخواسـت پرونده برای رسـیدگی به شـعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران فرسـتاده شد. در ابتدای جلسه رسیدگی اولیـای‌دم که مادر و فرزند مقتول بودند درخواسـت قصاص کردند. پس از آن نیما در دفـاع از خودش ادعای دیگری را مطـرح کرد و گفـت: درگیری ما به خاطر مواد نبود. من خسـرو را به‌خاطر فحاشی کشـتم. آن روز من و خسرو در حال مصرف مواد بودیم که سر موضوع بی‌اهمیتی باهم بحث کردیم و به یکباره او شـروع به توهین و فحاشی کرد و من که توقع شنیدن چنین حرف‌هایی را از او که سـال‌ها دوستم بود، نداشتم عصبانی شدم و چاقویی را از جیبم در آوردم تا او را بترسانم، ولی خسرو دست بردار نبود و به سـمتم حمله کرد و من هم با چاقو ضربه‌ای به گردنش زدم.

حالا هم قتل را قبول دارم و به هیچ وجه هم پشـیمان نیستم چرا که خسرو آن روز حرف‌هـای خیلی بدی به من زد و فحاشـی کردن به رفیق چندساله رسم مردانگی نبود. آن روز به خاطر رفتارش آنقدر عصبانی شـدم که او را مسـتحق مـرگ دانسـتم، اما از مـادر و دخترش عذرخواهی می‌کنم.

پس از اظهـارات متهم و وکیلش قضات وارد شـور شـدند و با توجه به مدارک و مسـتندات پرونـده نیما را به قصاص محکوم کردند.

نیـازمنـدیهـای روزانـه جزیـره کیـش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام
مفقودی
خدمات
خرید و فروش و ...

استخدام

شرکت پترو کاریز امید کیش جهت تکمیل پرسنل خود استخدام می کند:
۱. یک نفر کارگر فنی خدماتی ۲. یک نفر نگهبان
شرایط:
– دارای ضامن معتبر – مدرک تحصیلی حداقل دیپلم
– سن حداکثر ۳۰ سال – مقیم کیش
متقاضیان با در دست داشتن مدرک شناسایی معتبر جهت مصاحبه شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۴ الی ۱۷ مراجعه نمایند
آدرس: شهرک صنعتی شماره ۳ خیابان نفت قطعه ۷۸
شرکت پترو کاریزامیدکیش

نیروی اداری آقا آشنا به امور اداری و کار با کامپیوتر (آفیس)، حداقل سن ۲۵ سال، حقوق توافقی، ساعت مراجعه ۸ الی ۱۴ روزهای شنبه الی پنج‌شنبه
آدرس: بلوار ایران ساختمان شمس طبقه اول واحد ۴ شرکت تراکم سازان جنوب

استخدام منشی
آشنا به کامپیوتر جهت کار
در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر)
شیفت بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)
دو شیفت مجزا

شرکت کیش بتون جنوب جهت تکمیل کادر پرسنلی خود از افراد ذیل دعوت به همکاری می نماید.
– کارگر ساده جهت تولید ۴ نفر
– راننده پایه یک (میکسر و تریلی) جهت تردد داخل جزیره ۲ نفر
– راننده پایه یک (بونکر سیمان) جهت تردد سرزمین اصلی ۱ نفر
– فوق دیپلم مکانیک ۱ نفر
تلفن کارخانه : ۷-۴۴۴۲۰۵۶۶-۰۷۶
تلفن همراه : ۰۹۳۴۷۶۹۷۹۸۳

به یک کارگر ساده نیازمندیم
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۶۴۵۲

استخدام گرافیست
گرافیست آشنا با فتوشاپ و این دیزاین جهت کار در یک مؤسسه مطبوعاتی مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۴۹۹۹

مفقودی

اصل سند خودرو تویوتا کمری مشکی به شماره پلاک ۲۲ – ۱۴۱۹۷ و شماره موتور 2AZA507047 و شماره شاسی 6TIBE42K58X493189 به نام کمال هداوند میرزایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

خدمات

کار در ارتفاع
شرکت ارتفاع‌کاران اورست پارسیان
داربست فقط هزینه اضافه است!
– زنگ‌زدایی و پاشش ضدزنگ
– شستشوی شیشه‌های نما
– پیچ و رول‌پلاک سنگ‌نما
– نانو عایق کاری نما
– احیای نماهای چوبی (ترموود) و ...
۰۹۱۳۰۵۴۳۳۹۳ / ۰۹۳۶۷۸۸۳۲۹۶

بافت مو هانیه
با ۴۰٪ تخفیف ویژه
(با ۷ سال سابقه کار در پلاژ بانوان)
hanibaftkish
۰۹۳۹۱۴۴۷۱۱۳

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزدهها آگهی در نیازمندیهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسـانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.